

محمد جناب زاده

بقیه از شماره قبل

## ره چنان رو که ره روان رفتند

تغییر کلمات و لغات در دستور زبان ( اسما و افعال و حروف ) و جعل نامهایی در برابر اسم عام ، مفرد - بسیط - ظرف زمان مبتدا و خبر - رابطه فعل و فاعل و مفعول و تبدیل اسامی مثلث - قائم الزاویه به واژه‌های دیگر و مانند اینگونه چیزها همان داستان کستردن قالی و نهادن صندلی و میل و داشتن کرسی با فروختن بخاری نفتی یا - الکتریکی است زیرا در هر حال برای پاسداری علوم و فنون که در کتب مضبوط است باید این لغات را دانست و تاکید و مبالغه مدعیان نوآور مبنی بر اینکه لغات مفهوم و ساری و جاری باز نشسته گردند و واژه‌های تازه‌ای بخدمت گمارده شوند جزو برانگاری معنی دیگری ندارد زیرا آن گروه معدود بقدری از برنامه نویسی و نوآوری دورند که دندان سالم طبیعی را هم از دهان در می‌آورند تا دندان مصنوعی بجای آن نصب کنند یعنی لغت پارسی را هم چون بگوشها آشنا و فهمیده میشود به کلمه‌ای نامفهوم و مجعول مبدل می‌سازند که خود هم معنی آنرا نمیدانند و در این میدان مسابقه ناموری و نامجوئی ( هر کس چیزی همیگوید (به تیره رأی) خویش بعلاوه تابدانندی که او لوقای بن - فسطاستی ) -

آنانکه دیده بینا و تیز بین دارند بخوبی احساس میکنند که بیکار برای طرد ورد لغاتی آشنا و مفهوم که تاریخ هفت قرن ما را در بردارد برای ایجاد بعد مسافت با آئین رسمی کشور است در صورتیکه اعتقادات و ایمان ما با دلائل صریح و مستند تاریخ خواسته خود ما بوده و اگر تهاجم قوم تازی و فرمانروائی کوتاه آنان در این سرزمین که با خرابکاری و یغماگری همراه بود کفاره اش را باید زبان و ادب و اخلاق و فرهنگ ما به پردازد باید این برنامه را از ریشه و بنیان اصیل و دقیقی آغاز کرد زیرا جنایات

یونانیها و مغولها بیش از آنست که در تاریخ درسی نوشته شده ولی اسکندر بیاس ویرانگریها و آتش سوزیها و غارت و سوختن کتابها و اوراق اوستا در ادبیات ما مردی حکیم - پیامبر - زوالقرنین - سازنده سد یا جوج و مأجوج معرفی شده و مدایح قوم مغول و تیموریان هم کمتر از مقام رسالت فرزند نامشروع فیلیپ مقدونی در تاریخ و ادب ما نمیشد .

اگر عرب بما ناخت اما در عوض مارا تکان داد و سود اوزبان مارا جبران کرد - مادر لغت و فرهنگ مدیون عرب نیستیم بلکه این قوم از کوشش و اهتمام در زبان و ادب تازی بعلت عامل مذهبی سعی مشکور ایرانیان بهره و نصیب فراوان بردند - این عامل مذهبی بحکم اعتقادات باستانی و آئین بهی جنبه تکاملی و ربانی کلامی دارد و ناروان و یاخته‌های مغز و خون مادر مدت قریب بچهارده قرن سرشته و بافته شده است - از راه طرد لغات امکان در آئین وجود ندارد بنا بر این پیکار شدیدی که برخی بدون توجه بجامعه شناسی و نوامیس تاریخی در نوشته‌های خود مینمایند صورت انتقام پیدا نخواهد کرد و خودکشی را نباید بحساب کیفی و مجازات مهاجمان گذارد بلکه این عمل موجودیت مارا بخطر خواهد انداخت و رابطه ما با ادب هفتصد ساله بسکلی مقطوع و زبان شیرین پارسی در ردیف زبانهای مرده قدیمی خواهد درآمد اگر حوادثی را که مبنای کینه توزی و پیروزی و شکست میان اقوام بوده اساس داوری قرار دهیم باید روابط علمی و هنری و ادبی و صنعتی را میان ملت‌ها گسیخته بدانیم در صورتیکه می‌بینیم تبادل علوم و فنون و لغت و ادب میان اقوام و ملل وجود داشته و خواهد داشت و این موضوع همانطور که در مسائل بازرگانی و اقتصادی ضرورت دارد در امور معنوی هم اثر میگذارد .

فرانسویها و آلمانیها و انگلیس‌ها و سایر اقوام مغرب‌زمین از صنایع و اختراعات

دانشمندان یکدیگر بهره برداری کرده‌اند و محصول تمدن را که زاده همکاری و ثمره پیوستگی اندیشه‌های نوابغ بوده بحساب اتفاقات خصومت آمیز منظور نداشته‌اند پس بگناه حمله عرب تجدید نظر در طرز و روش ادبیات (نظم و نثر) درهم ریختن اسلوب لغوی و روش اساتید متقدم بدون داشتن يك برنامه جامع و ثابت و ایجاد محیط منقلب و متغیر و نشر اندیشه‌های انفرادی در کار نگارش و ترجمه - آنهم بوسیله مترجمانی که عارف بزبان اصلی و پارسی نیستند موجب گمراهی نسل جوان است - مطابقت دادن جمله بندی پارسی با اسلوب دستوری زبانهای مغرب زمین به بهانه خویشاوندی کم سلیقگی است زیرا هر زبانی تابع مایه طبیعی و نظم خاص اهل آن زبان است - نقل معانی از روی فرهنگها یا جعل واژه که در هیچ فرهنگ پارسی از آن یادی نشده جای اسلوب مفهوم زبان پارسی را نخواهد گرفت علاوه بر این لغات مفهوم پارسی و عربی را متقاعد و باز نشسته کردن و بجای آنها واژه‌های بیگانگان را نشان دادن و نام آنرا اصلاح زبان گذاردن انگشت حیرت بدنندگان گزیدن است زبان دری که رنگی از پهلوی، فارسی ناب، هروی زاوولی، سگری، سغدی، خوری، سریانی داشته و با زبان عربی هم مبادله لغوی بعمل آورده اگر چه با زبان هند و اروپائی قرابت دارد اما فی نفسه زبان آزاد و مستقلی بشمار می‌آید و نظم مخصوص بخود را در دستور زبان داراست و بر دانشمندان عالیمقام و محققان و متتبعان فرض است که با ژرف بینی نوامیس آنرا دریابند و دستوری جامع مدون کنند و به سبک و شیوه لغت نگاران زبانهای زنده و رایج اروپائی قاهوس و فرهنگ کلی برای عامه و برای هر علمی و فنی لغت نامه جداگانه تدوین نمایند و رشته کار را در اختیار نااهلان نگذارند .

آنانکه تاسر حد مبالغه در تبلیغ و تقدیس اندیشه‌ها و طرز تفکر و اعتقادات روانی و مدنی دیگران تاکید دارند باید توجه نمایند که محصول کارشان جز کاغذ سیاه

کردن چیز دیگری نیست - اگر کتابها در مزایای گوشت قورباغه و خرچنگ و حلزون بنویسند ذائقه ما جز با عکس العمل تهوع مواجه نخواهد شد زیرا هر ملتی خصایص عقلی و جسمانی خاص دارد که کمتر دستخوش تغییر میشود - مزاج عقلی و ساختمانی فکری هر قومی ترکیبی است از افراد زنده و نیاکان آنان در گذشته که جزء فطریات نایب است همانطور که گروهها و خانوادهای حیوانی بوسیله مزایا و نمودها و خصایص خاص از یکدیگر جدا و نمایان هستند ملل را نیز یکدسته از خصایص از هم مجزا و ممتاز میکند و تفاوتهای محیط از لحاظ اقلیم و آب و هوا و تاریخ و وراثت و مناظر و نوع تعلیم و تربیت از اصول اساسی جامعه شناسی است و در ادبیات بطرز واضح اشکار و هویدا است زیرا مؤثرات طبیعی مجموع همه این عوامل حتی نوع خوراکیها میباشد. بنا بر این مؤثر و محرک حیات ملل عناصر و عوامل خارجی نیست و اندیشه‌ها و تمایلات و عادات و سنن ملتی نمیتواند ادراکات و مشاعر خود را بجامعه دیگری انتقال دهد و چه بسا آنچه را برخی در پیوندها عامل رشد و نمو ارتقاء میدانند موجب تندی و پستی در یک اختلاط و امتزاج غیر عملی - توام با بیماریهای روانی باشد و در اعمال جراحی و پیوندهای قلب و کبد این نکته به نحو قاطع و وضوح روشن است که جسم انسان اجسام خارجی را در میکند تا چه رسد به روح او که مرتبه عالیتری دارد. انسان با ساختمان خاص بدنی که دارد در عموم افراد از لحاظ تشریح یکسان است اما در برابر مؤثرات خارجی و غذا و داروها حالات گوناگون پیدا میکنند - دکتر الکسیس کارل بیولوژیست و جامعه شناس مشهور برای هر فردی از اجناس آدمیان و جانوران طبایع خاص و انفرادی قائل است تا آنجا که میگوید انواع درمانها و داروها در برابر یکنوع بیماری آثار مختلف دارد. یکی بهبودی مییابد و دیگری درمان نمی‌پذیرد.